

پرونده شنبه های چالشی صبا

کارگردان سوپر استار
در رسانه چیست؟سمیه خاتون
گزارش

در پرونده چالش این هفته صبا به سراغ دغدغهای رفتیم که این روزها عمدتاً برای مخاطب مسئله شده است. مخاطب امروز رسانه در مواجهه با یک اثر و انتخاب به دیدن یک فیلم ممکن است فیلم را به واسطه بازیگرانی که در فیلم هستند ملاک اولیه خود قرار می دهد، اما پس از چند قسمت از این انتخاب دلسرد شده و دیگر حتی نمی تواند یک قسمت دیگر از سریال را هم دنبال کند، در حالی که ممکن است بازیگر محبوب او در این سریال و با فیلم نقش اول را ایفا کرده باشد. این اتفاق دست کم برای هر ایرانی رخ داده است و در نهایت باعث بلامتکلیفی مخاطب با چهره های محبوب و سوپر استارهای ایرانی شده است. خبرنگار صبا با این موضوع چالشی که سوپر استارهای سینمایی در صنعت فیلم چه کارکردی دارند به سراغ برخی اصحاب هنر و عوامل صنعت فیلمسازی در ایران رفته است. با ما در این چالش همراه باشید و نظرات خود را درباره این موضوع در فضای مجازی با ما به اشتراک بگذارید.

امیر دژاکام:

دیده شدن یک اثر به واسطه متن است نه سوپر استار!

سوپر استار کسی است که در تکرار و تعدد دفعات نقش پردازی درخشان ظاهر شده و یا در فیلم و سریال های خوبی حضور داشته است و به همین واسطه نوعی اطمینان و اعتماد را برای تهیه کننده، کارگردان و تماشاگر فراهم کرده است و دقیقاً از همین نقطه است که آسیب می بیند. یعنی اینکه فیلمسازها با کاری نامناسب و ضعیف سر وقت هنرپیشگان بزرگ می روند. این هنرپیشه ها هم گاهی وقتی پیشنهاد دستمزد بالایشان پذیرفته می شود آثاری را انتخاب می کنند که طبیعتاً آثار خوبی نیستند. با این رویکرد محبوبیت خود بازیگران هم در طولانی مدت از بین می رود و ما واقعاً نمی توانیم یک اثر را با توجه به بازیگرانی که در آن حضور دارند، انتخاب کنیم. همان طور که در حال حاضر شاهد هستیم بیشتر آثاری که در پلتفرم ها ساخته می شوند شکست می خورند، این شکست های تجاری عمدتاً بر اساس کلیک مردم و تماشای اثر نمود پیدا می کند. وقتی سریالی پس از چند قسمت توسط عموم مردم دنبال نمی شود نشان دهنده این است که مردم هم از این روند ناراضی هستند که چرا وقتی فلان بازیگر محبوب در اثر حضور دارد اما فیلم، جذاب نیست؟ ساختار پلتفرم به طور کامل با تلویزیون متفاوت است.

در پلتفرم تماشاگر مبلغی را می پردازد و اشتراک تهیه می کند با این وصف انتظار دارد سریال با سرعت بیشتری جلو برود و متروном سریال حاوی تعلیق و وقایع بیشتری باشد. یک سینمایی یک ساعت و نیم سوسپانس دارد در حالی که سریال ۱۲ سوسپانس ۵۰ دقیقه ای را می طلبد. بیشتر کارگردانی که از سینما وارد سریال سازی در پلتفرم ها شده اند این مسئله را رعایت نمی کنند. پس سریال دروهله اول باید جذابیتی ادامه دار داشته باشد مانند قصه هزار و یک شب شهرزاد! سریالی که قصه کشش دار و تعلیق نداشته باشد از ادامه روند کششی خود باز می ماند. در این میان وجود بهترین سوپر استارهای ایرانی هم نمی تواند منجی فیلم یا سریال باشد. اصلی که می تواند یک فیلم را تضمین می کند ادبیات دراماتیک آن است. بعد از آن کارگردانی است که بتواند این ادبیات دراماتیک را درست منتقل کند و پس از آن بازیگرانی هستند که با نقش پردازی دقیق بتوانند وجوه دراماتیک شخصیت را در بازی های خود زنده کنند. با این حساب وقتی اولین قدم درست نباشد یعنی فیلمنامه خوبی نداشته باشیم دیگر تلاش کارگردان و بازیگر بی نتیجه است. ما در طول تاریخ شاهد بودیم که فیلمنامه های خوب حتی با بازیگران کاملاً ناشناخته مخاطبانی از سراسر جهان داشته اند، یکی از نمونه های موفق این اتفاق سریال بازی مرگ است که بدون اهمیت به خود بازیگران مخاطب با جریان داستانی و رویدادها همراه شده است. با نبود قانون کپی رایت در ایران، تماشاگر ایرانی انتخاب های بسیار متعدد و متنوعی

را برای دیدن سریال و فیلم پیش روی خود دارد. با اینحال چرا باید زمان خود را برای سریال نیوکمپ منوچهر هادی بگذارد؟ در ایران نویسنده به عنوان خالق اثر، در جایگاه واقعی خود نیست و فیلم در قلمرو کارگردان است. با این پیش فرض نویسنده در حدیکی از عوامل محدود می شود در حالی که یک اثر فیلمی همه عوامل در خدمت نشان دادن جلوه و جلال متن و قصه هستند. واقعیت این است که بازیگران بزرگ ما هم خسته شده اند. ما خستگی را در بازی هایشان می بینیم و با آنکه می دانیم که این بازیگران تجربه دیده هستند. اما همین خستگی باعث شده است که نقش پردازی شان در سطح کیفی خیلی پایین باشد، و این مسئله به دلیل تعدد بازی در چندین کار به صورت همزمان و... است. بازیگری مانند پژمان جمشیدی که از همان ابتدا بازیگر خوبی هم بود اما از تعدد کار و خستگی حالا به ورطه تکرار رسیده است. در اینجا باید بررسی کرد که تشخیص بازیگر شناخته نشده وظیفه کیست؟ تشخیص بازیگری که قدرت و توانایی هایی بدنی و بیانی دارد و از نظر زیبایی شناسی هم در خود توجه و تأمل است یک کار علمی است. متأسفانه اکثر فیلمسازان ما شجاعت و قوه تشخیص انتخاب بازیگران بی نام را ندارند. لذا به سراغ بازیگرانی می روند که صدها مرتبه کار کرده و در یک نقش تکراری شده اند.

۴۲ سال است که در سراسر نقاط ایران کلاس آموزش بازیگری برگزار کرده ام، همچنین در معتبرترین دانشگاه های تخصصی این رشته هم حضور داشته ام. ماهمین حالا در گروه های نمایشی دانشجویی و موسسات بازیگران محدودی داریم که از سوپر استارهای حال و حاضر سینمای ایران خیلی بهتر هستند. اما متأسفانه تصمیم گیرندگان این حوزه دانش تشخیص ندارند و در نهایت می توانند با فاکتور زیبایی چهره به دنبال جذب بازیگری زیبا باشند که عمدتاً هم این انتخاب ها باعث شده است که بازی شخص در حد یک اثر باقی بماند و بعد تر، پروژه و هم خود او زمین بخورند. زیبایی خوب است اما ملاک اصلی انتخاب نیست، تکنیک، هوش، فهم و دانش بازیگری بسیار مهم تر است. در این شرایط وقتی ما از فیلمسازان می خواهیم که بیایند تا همین چند نفر محدود را که شایستگی کامل بازیگری را دارند ببینند، با اکراه قبول می کنند و طوری وانمود می کنند که گویا آن ها هستند که دارند به ما لطف می کنند! در صورتی که معرفی یک بازیگر هوشمند و توانا که می تواند در پروژه جای کسانی را بگیرد که میلیاردها دستمزدشان است با کارکرد بهتر لطفی است که ما به پروژه او کرده ایم. دانش بازیگری و آموزش آن در تمام جهان دستخوش تغییر و تحولات بنیادین شده است به همین خاطر نیاز است که بازیگرانی را که با دانش و متد ها و تکنیک های جدید این فن را آموخته اند وارد بازار کار شوند. صنعت فیلمسازی در ایران وقتی موفق می شود که به ادبیات به عنوان مرجع و ملاک انتخاب اثر هنری اهمیت بدهیم و هرگاه برای تماشاگر ملاک انتخاب یک اثر اسیم

نویسنده باشد، نه بازیگر! نویسنده به جایگاه حقیقی خود می رسد. این اتفاق در نمایش افتاده است همان طور که ما به سالن می رویم که سارتر، شکسپیر، محمود استاد محمد، بهرام بیضایی و... را ببینیم و نه بازیگر را! تهیه کنندگان باهوش باید بدانند که وقتی فیلم شان به واسطه اسم نویسنده انتخاب شود، بعد از آن بازیگر شناخته می تواند به فروش اثر کمک کند. بازیگر چهره تنها یک بار می تواند تماشاگر را به سالن بیاورد، ادامه فروش اثر و نگه داشتن تماشاگر در سالن تنها به واسطه ادبیات دراماتیک و متن است. در کل متن خوب است که مخاطب را به سالن می آورد نه چهره شناخته شده و بازیگر. همان طور که چندین سریال به واسطه همین چهره ها بالا آمدند و در نهایت در یک یا دو قسمت دنبال شده اند. من برحسب وظیفه همه سریال ها را می بینم و گاهی را با شکنجه دنبال می کنم.

فرزاد مومن:

ترجیح می دهم سکوت کنم!

بگذارید من جوابی ندهم.... مشکل خود سوپر استارها نیستند که دلم نمی خواهد راجع به آن ها حرف بزنم. مشکل از سیستم است و این سوپر استارهایی که ما داریم محصول همین سیستم هستند. این اشخاص را برای مردم درست کردند و بعد در نظام رانتی قرارشان دادند. مادر شرايطی بسیار غیر طبیعی زندگی می کنیم و من حوصله اینکه در سن ۶۷ سالگی بابت نظری که می دهم بازخواست شوم را ندارم پس بنابراین ترجیح می دهم سکوت کنم، حدود یک سال و نیم است که دیگر هیچ نظری درباره سینما نمی دهم.

افشین سنگ چاپ:

نسلی که مرد و هیچ کس جای آن را نگرفت

برشت می گوید: جایی که همه احمق هستند اگر خود را عاقل نشان بدهی اشتباه و بالعکس جایی که همه عاقل هستند خود را جاهل نشان دهی اشتباه است. مسئله و معضل سوپر استار در ایران سالهاست که ادامه دارد و مشکل از اینجااست که صاحبان سرمایه در صنعت فیلمسازی ایران آدم سینما نیستند و دانشی از نسل پروری در سینما ندارند و مانند یک مخاطب عام به کارگردان و تهیه کننده سفارش بازیگران محبوب شان را می دهند. مثلاً می گویند من گلزار و... را می خواهم! در کدام سینمای موفق دنیا دیده شده که مرد ۴۰ ساله همچنان داماد را بازی کند و یا زن ۵۰ ساله همچنان نوجروس باقی مانده باشد؟ دانش نسل پروری دانش مهمی است که در مرکزیت تصمیم گیری سینماهای موفق دنیا وجود دارد اما در ایران اصلاً خبری از این اتفاق نیست! و این به خاطر این است که کسانی که صاحبان سرمایه فیلم هستند و یا پول را به فیلم تزریق